

شمار مهمترین اولویت‌های مورد توجه در واگذاری شرکت‌های نفتی قرار گیرد. بدیهی است، با در نظر گرفتن ملاحظات مزبور می‌توان به اثربخشی و توفیق بلندمدت اجرای خصوصی‌سازی و ورود و حضور بخش خصوصی در بخش انرژی کشور امیدوار بود. ■

تولیدکنندگان گاز دنیا و فعالیت و بهره‌برداری از گسترده‌ترین شبکه‌های انتقال نفت و گاز منطقه را دارند، ارزشمندترین دارایی‌ها و سرمایه‌های ملی به حساب می‌آیند که بدون آنها نمی‌توان به تداوم جریان انرژی در شریان‌های اقتصاد ملی اطمینان داشت. لذا حفظ و توسعه این ثروت انسانی باید در

اما از نقطه نظر زنجیره تأمین انرژی، بخش بالادستی همانند بخش‌های انتقال و توزیع، حلقه‌ای از مجموعه حلقه‌های زنجیره تأمین نفت و گاز است. با این حال، بخش‌های انتقال و توزیع حلقه‌های سوم و چهارم پس از تولید و پالایش محسوب می‌شوند. بخش انتقال نیز بر اساس تفکیک کار صورت گرفته در مجموعه وزارت نفت، در شمول واگذاری نبوده و تنها بخش‌های پالایش و توزیع مشمول واگذاری می‌باشند.

تأمل در جایگاه هر یک از حلقه‌های تولید، پالایش، انتقال و توزیع در مجموعه زنجیره تأمین نفت و گاز کشور نشان می‌دهد که از دیدگاه زنجیره‌ای، کارآمدی مجموعه عملیات در گروهی کارآمدی تک تک اجزای زنجیره است. بر اساس اصلی معروف، قدرت هر زنجیره به اندازه قدرت تک تک حلقه‌های آن است. بنابراین در اجرای اصل ۴۴ لازم است در حوزه شرکت‌های تابعه صنعت نفت، تأمل و تعمق ویژه‌ای در زمینه مکانیزم واگذاری، پیش‌بینی سازوکارهای لازم برای حفظ کارآمدی زنجیره عرضه انرژی در کشور، حفظ استانداردهای کیفیت و در نهایت، پیش‌بینی ترتیبات لازم برای تضمین برقراری عملیات در این بخش صورت گیرد.

مسئولیت‌های خاص

بخش خصوصی دارای نگاه ویژه‌ای به فعالیت‌های اقتصادی است که حداقل‌سازی هزینه‌ها، کسب سود و ارتقای بهره‌وری، مبانی اصلی آن را تشکیل می‌دهند. وجه تمایز بخش خصوصی و بخش دولتی از لحاظ تولید کالاهای مورد نیاز جامعه، این است که دولت باید در بخش "کالاهای عمومی" فعالیت کند و یا در بخش‌هایی به تولید بپردازد که به دلیل فقدان سودآوری اقتصادی مستقیم، بخش خصوصی علاقه‌ای به فعالیت در آن ندارد. تأمین امنیت عمومی از جمله این موارد است. اما ناگفته پیداست که عدم فعالیت بخش خصوصی در این زمینه به معنای بی‌فایده بودن تولیدات آن نیست. اساساً دولت در تنظیم ترتیبات لازم برای تأمین و حفظ منافع عمومی، دارای مسئولیت‌هایی است که نمی‌توان اجرای این مسئولیت‌ها را از بخش خصوصی انتظار داشت. ولی تأمین انرژی مورد نیاز کشور از جمله کالاهای عمومی محسوب نمی‌شود. لذا با وجود مزایای فراوان فعالیت بخش خصوصی در بخش‌های مختلف اقتصاد کشور باید در خصوص بخشی‌های راهبردی نظیر بخش انرژی - با هدف حفظ منافع و مصالح ملی - با دقت و اهتمام ویژه‌ای به نظارت و سیاست‌گذاری پرداخت.

از سوی دیگر، صنایع نفت و گاز کشور منبع ارزشمندی از نیروی انسانی آموزش‌دیده، متخصص و مجرب است. مهندسان و کارشناسانی که تجربه گرانقدر فعالیت در دومین مجموعه تولیدکننده بزرگ نفت و یکی از بزرگترین

چالش جدید صنعت نفت و گاز جهان

گلوگاه‌های رشد

افزایش قیمت‌های نفت، مشکلاتی را برای صنعت نفت ایجاد خواهد کرد.



رشد قیمت‌های جهانی نفت خام طی سال‌های اخیر، کشورهای دارنده ذخایر نفتی محدود و کوچک را هم به تکاپو واداشته است. در واقع، در شرایطی که قیمت‌های نفت خام در سطوحی کمتر از ۳۵ دلار نوسان می‌کند، عرضه‌کنندگان نفت تنها گروه معدودی از کشورهای دارنده ذخایر عظیم نفتی را شامل می‌شوند، چرا که با قیمت‌های پایین نفت، سرمایه‌گذاری در جهت توسعه و بهره‌برداری از منابع و میادین کوچک نفتی که ذخایر محدود نفت و گاز را در خود جای داده‌اند، فاقد توجیه و سودآوری اقتصادی است. اما برداشت از همین میادین با افزایش قیمت‌های نفت به ارقام بالاتر از ۵۰ تا ۶۰ دلار، توجیه‌پذیر خواهد بود.

بر این اساس، بازار نفت به تدریج شاهد افزایش تقاضا برای نیروی کار ماهر و تجهیزات و ماشین‌آلات مورد استفاده در اکتشاف، استخراج، توسعه و تولید نفت و گاز خواهد بود؛ و این مشکلی است که صنعت نفت در دور جدید افزایش سریع و شدید قیمت‌ها (بین ۷۰ تا ۹۰ دلار) در حال تجربه آن است.

چالش کمبود تجهیزات

از سال ۲۰۰۵ و با تشدید روند افزایش قیمت‌های نفت، برای نخستین بار نشانه‌های کمبود ابزارها و تجهیزات در صنعت نفت نمودار شد. به عنوان

نمونه، در آن سال کیم بنت، مدیر اجرایی یک شرکت تولیدکننده گاز طبیعی در هوستن تگزاس، برای یافتن یک دکل حفاری مناسب فاصله‌ای ۷۰۰۰ مایلی را تا مرکز چین طی کرد. این دکل قرار بود برای حفاری چهار چاه در یک حوزه جدید اکتشافی در غرب کلرادو مورد استفاده قرار بگیرد، اما هنگامی که گروه وی همراه با دکل حفاری وارد منطقه شدند، یک روزنامه محلی آنها را با کارگران چینی راه‌آهن فعال در کوه‌های راکی طی قرن نوزدهم مقایسه کرد. در سال ۲۰۰۵ بیشتر شرکت‌های بزرگ نفتی درصد حداکثر کردن سود خود به دلیل افزایش قیمت‌های نفت بودند. اطلاعات و گزارشات منتشر شده نشان می‌داد که بخش عمده‌ای از این شرکت‌ها درآمد بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار را پیش‌بینی کرده بودند. ولی در این شرایط، گلوگاه‌های صنعت نفت و گاز به ویژه تأمین تجهیزات بخش بالادستی، بیش از پیش خودنمایی می‌کرد. حتی در ایالات متحد که بزرگترین مصرف‌کننده انرژی جهان محسوب می‌شود، مشکل تنها به کمبود ماشین‌آلات و تجهیزات محدود نمی‌شود.

سال‌ها محدودیت سرمایه‌گذاری در بخش‌های اکتشاف، تولید، پالایش، انتقال و توزیع، تنگناهای زیادی را در زنجیره انرژی این کشور ایجاد کرده است. طوفان‌های دریایی نیز آسیب‌های شدیدی به تأسیسات و تجهیزات موجود در بخش‌های تولید،

نیروی انسانی ماهر در بخش بالادستی جست و جو کرد. طی سال‌های اخیر و با رونق گرفتن فعالیت‌های اکتشاف و توسعه منابع و میادین نفتی، نیاز به کارشناسان کارآموزده در این بخش به شدت افزایش یافته است. با افزایش تقاضای تجهیزات و ماشین‌آلات می‌توان در میان‌مدت و حتی کوتاه‌مدت با بکارگیری روش‌های خاص تولید، عرضه را متناسب با تقاضا افزایش داد. اما میزان عرضه نیروی کار از انعطاف‌پذیری لازم برخوردار نبوده و نمی‌توان در کوتاه‌مدت به تأمین نیاز از طریق تعدیل عرضه امیدوار بود. بر این اساس، شرکت‌های نفتی به خصوص در مناطقی که فعالیت‌های اکتشاف رونق دارد (نظیر خاورمیانه و آمریکای شمالی)، با بکارگیری شگردهای خاص، به جذب نیروهای فعال و ماهر می‌پردازند؛ چنین رقابتی در منطقه خاورمیانه به ویژه طی ماه‌های اخیر شدت بیشتری یافته است. ■

چالش نیروی کار

اما بیشتر شرکت‌های نفتی در تأمین نیروی انسانی از جمله مهندسان نفتی به جای نیروهای قدیمی خود که طی دهه آینده بازنشسته خواهند شد، با مشکل مواجه هستند. شاید بارزترین نمود این کمبود نیرو در ایالات متحده مشهود باشد. در این کشور نیمی از کارگران شاغل در صنایع نفت و گاز در دوره سنی ۵۰ تا ۶۰ سال قرار دارند و لذا طی دهه آینده بازنشسته خواهند شد. در مقابل، تنها ۱۵ درصد کارگران نفتی این کشور بین ۲۰ تا ۳۰ سال دارند. متوسط سن کارگران این صنعت در آمریکا ۴۸ سال می‌باشد. مارک رابین، مدیر انجمن مهندسان صنعت نفت آمریکا، در این زمینه می‌گوید: «صنعت نفت با چالش‌های زیادی در خصوص جایگزینی مردان با تجربه‌ای که طی چند سال آینده این صنعت را ترک می‌کنند، مواجه خواهد بود.» اما چالش مهم‌تر صنعت نفت را باید در تأمین

پالایش و انتقال آمریکا وارد نموده است. گفتمنی است، عدم سرمایه‌گذاری در بخش انرژی آمریکا ناشی از آفت شدید قیمت نفت در دو دوره رکود شدید بازار طی سال‌های ۱۹۸۶ و ۱۹۹۸ بود. طی سال‌های یاد شده، قیمت نفت برای چندین هفته متوالی، به پایین‌تر از ۱۰ دلار در هر بشکه رسید. این شرایط، فشار شدیدی بر شرکت‌های نفتی وارد نمود، به طوری که آنها مجبور به انتخاب رژیم‌های شدید هزینه‌ای شدند و حتی بسیاری از شرکت‌ها بودجه بخش‌های پژوهشی و زیرساختی را کاهش داده و سرمایه‌گذاری‌های خود را محدود و متوقف ساختند.

به موازات، ساخت ماشین‌آلات، دکل‌های حفاری و سایر تجهیزات نفتی با کاهش تقاضا روبه‌رو شده و به تبع آن، تقاضا برای نیروی انسانی ساده و متخصص در حوزه انرژی کاهش یافت. شرکت‌های نفتی در نهایت با تعقیب این رویکرد، به شکل‌گیری ادغام‌های بزرگ اواخر دهه ۱۹۹۰ کمک کردند. در نتیجه چنین شرایطی، تعداد شرکت‌های نفتی به سرعت کاهش یافت، به طوری که ۱۰ شرکت بزرگ نفتی کنونی دنیا از ادغام ۴۵ شرکت کوچک‌تر تشکیل شده‌اند.

به هر حال، بر اساس مطالعات مؤسسه وود مکنزی، شرکت‌های بزرگ نفتی بسیار کمتر از آنچه که نفت تولید کرده‌اند، اکتشاف جدید انجام داده‌اند. در همین راستا، میزان جایگزینی ذخایر آنها با اکتشافات جدید که در سال ۲۰۰۰ به اوج خود رسیده بود، تا سال ۲۰۰۵ آفت شدیدی را شاهد بوده است. بر اساس مطالعات وود مکنزی، شرکت‌های بزرگ نفتی در مدت یاد شده تنها توانسته‌اند نیمی از نفتی را که تولید کرده‌اند، جایگزین سازند.

به گفته معاون این مؤسسه، این غیر منطقی است که انتظار جایگزینی کامل ذخایر تولید شده را داشته باشیم، چرا که دکل حفاری به میزان لازم در دسترس نیست. حتی زمین‌شناس هم به تعداد کافی وجود ندارد. به گفته وی، شرکت‌های نفتی به میزان لازم در بخش اکتشاف سرمایه‌گذاری نکرده و بودجه اکتشاف آنها طی سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۵ به یک سوم کاهش یافته است.

اما روند صعودی قیمت جهانی نفت، خصوصاً از سال ۲۰۰۵ بدین سو، موجب شتاب سرمایه‌گذاری شرکت‌های نفتی در بخش اکتشاف شده است. در واقع، این افزایش قیمت‌های نفت موجب تأمین منابع لازم برای سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی و افزایش سودآوری این بخش شده است، هرچند کمبود تجهیزات و ماشین‌آلات، افزایش قیمت‌ها در این بخش را هم به همراه آورده است. به عنوان مثال، هزینه اجاره روزانه یک دکل حفاری خشکی با توان هزار اسب بخار در آمریکا از ۹ هزار دلار سال ۲۰۰۴ به ۱۵ هزار دلار در سال ۲۰۰۵ رسید. در همین مدت، هزینه اجاره روزانه یک دکل حفاری دریایی نیز با افزایشی معادل ۳۳ درصد به ۳۰۰ هزار دلار بالغ شد.

قیمت نفت ایران

قیمت نفت ایران به ۸۰ دلار نزدیک می‌شود.



گزارش‌های مایوس‌کننده دولت آمریکا در مورد وضعیت اشتغال و پیش‌بینی عدم رشد قابل توجه مصرف انرژی در این کشور، سبب شد تا قیمت‌های نفت پس از یک افزایش شدید، دوباره کاهش یابند. در همین راستا، در بازار نیامکس (NYMEX) نیویورک، بهای نفت خام وست تگزاس اینترمدیت (WTI) برای تحویل در ماه نوامبر با ۲۲ سنت کاهش به بشکه‌ای ۸۱/۲۲ دلار رسید. گفتمنی است، ضعف ارزش دلار در افزایش قیمت‌های نفت تأثیر زیادی داشته است، لذا پس از آن که تحلیلگران اعلام کردند روند رشد اقتصادی آمریکا همچنان کند خواهد بود، ارزش دلار بار دیگر آفت کرد و همین امر موجب افزایش قیمت‌های نفت گردید. در چنین شرایطی، معامله‌گران برای سود بردن از این شرایط، در موقعیت فروش قرار گرفتند. با این وصف، نگرانی از کمبود عرضه در سه ماهه چهارم سال و در آستانه فصل زمستان، مانع از کاهش

شدید قیمت‌ها شد. در بازار ICE لندن، قیمت هر بشکه نفت خام برنت دریای شمال برای تحویل در ماه نوامبر به ۷۸/۷۶ دلار رسید.

در روزهای آخر اکتبر، قیمت نفت به رکورد بی‌سابقه ۹۲ دلار دست یافت. به نظر می‌رسد همان‌گونه که طولانی شدن دوره تعمیرات و نگهداری پالایشگاه‌های آمریکا سبب بروز تنگناهایی در تأمین بنزین تابستانی گردید، در فصل زمستان نیز دلایل مشابهی موجب بروز مشکلاتی در تأمین سوخت زمستانی شود.

به گزارش واحد اطلاعات و اخبار ماهنامه «اقتصاد ایران»، متوسط تقریبی یک بشکه نفت خام سبک صادراتی ایران در مناطق مختلف جهان در سیزدهم مهرماه (۵ اکتبر) سال جاری معادل ۷۵/۶۰ دلار و متوسط بهای هر بشکه نفت سنگین صادراتی کشورمان معادل ۷۲/۵۴ دلار بوده است. در همین روز، یک بشکه نفت خام صادراتی ایران در بازارهای بین‌المللی به طور تقریبی معادل ۷۴/۴۰ دلار معامله شده است.

قیمت نفت خام ایران در مناطق مختلف *

منطقه	نفت سبک	نفت سنگین
آسیا	۷۵/۵۵	۷۲/۶۶
شمال غربی اروپا	۷۵/۳۷	۷۴/۴۱
مدیترانه	۷۵/۴۶	۷۳/۹۱
آفریقای جنوبی	۷۵/۶۶	۷۴/۱
میانگین وزنی	۷۵/۶۰	۷۳/۵۴

*فوب خلیج فارس، دلار برای هر بشکه، ۱۳ مهر ۱۳۸۶
استخراج: «اقتصاد ایران» از امور بین‌الملل شرکت ملی نفت.